

مقایسه سبک‌های هویتی و سبک‌های دلبستگی در نوجوانان بزهکار

و غیر بزهکار شهر قم

طاهره ذاکری هرندی^۱، الهام آقایی^{۲*}، شهرداد دارابی^۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۲/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۲

چکیده

مقدمه و هدف: بزهکاری در دوران نوجوانی از الگوهای رفتاری نابهنجار است که روند طبیعی زندگی نوجوان و اطرافیان را با آسیب جدی مواجه می‌سازد. این پژوهش با هدف مقایسه سبک‌های هویتی و سبک‌های دلبستگی در نوجوانان بزهکار و غیربزهکار شهر قم انجام شد.

روش‌شناسی پژوهش: پژوهش توصیفی-مقطعی و از نوع علی-مقایسه‌ای (پس‌رویدادی) بود. تمامی نوجوانان بزهکار ساکن در کانون اصلاح و تربیت و همچنین، نوجوانان عادی شهر قم در سال ۱۴۰۲ جمعیت آماری پژوهش را تشکیل دادند، که از بین آن‌ها با روش نمونه‌گیری در دسترس تعداد ۶۰ نفر (۳۰ نوجوان بزهکار و ۳۰ نوجوان عادی) انتخاب و به پرسشنامه سبک‌های هویت (برزونسکی و همکاران، ۲۰۱۳) و پرسشنامه سبک‌های دلبستگی (کولینز و رید، ۱۹۹۰) پاسخ دادند. داده‌ها در دو سطح آمار توصیفی، تحلیل واریانس و آزمون تعقیبی LSD با SPSS نسخه ۲۶ تحلیل شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد بین نمرات هویت اطلاعاتی، هنجاری، سردرگم/اجتنابی و هویت متعهد در دو گروه نوجوانان از نظر آماری تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین، میانگین نمرات دو گروه در دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا/اضطرابی از نظر آماری تفاوت معناداری داشت. نتایج آزمون تعقیبی LSD حاکی از پایین بودن هویت متعهد و اطلاعاتی و دلبستگی ایمن در نوجوانان بزهکار در مقایسه با نوجوانان عادی و بالاتر بودن استفاده نوجوانان بزهکار از دلبستگی نایمن و دشواری در هویت‌یابی (اجتنابی و هنجاری) بود.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش بر لزوم توجه روزافزون کارشناسان و مسئولین حوزه بهداشت روانی-اجتماعی به نقش سبک هویت و دلبستگی در پیشگیری از آسیب‌پذیری‌های روانی-اجتماعی در دوران نوجوانی تأکید دارد.

کلید واژه‌ها: دلبستگی، هویت، بزهکار، نوجوان

^۱ کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، ایران.

^۲ دکتری تخصصی روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ایران.

پست الکترونیکی: elhamaghaei87@yahoo.com

^۳ دانشیار گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ایران.

مقدمه

دوره نوجوانی پراسترس‌ترین و آسیب‌زاترین مراحل زندگی در نوجوانان است (اونیمن^۱ و همکاران، ۲۰۲۴). ورود به دوره نوجوانی با تحولات بسیار عمیقی از نظر زیستی، روانی و اجتماعی همراه است که موجب به هم خوردن تعادل و توازن جسمانی و روان‌شناختی آنان می‌شود و به‌عنوان دوران بحرانی از آن یاد شده است (کوساکا^۲ و همکاران، ۲۰۲۴). یکی از ویژگی‌های بارز دوران نوجوانی، تمایل برای کسب تجارب جدید و آزمودن رفتارهای پرخطر و بزهکاری^۳ است که پیامدهای منفی زیادی برای نوجوانان، خانواده و جامعه در پی دارد (جوهری فرد و همکاران، ۱۴۰۰).

انسانی را به خود جلب کرده است و شناسایی علل پیدایش این معضل اجتماعی و عواملی که می‌تواند زمینه‌ساز آن باشد، را به یک ضرورت تبدیل ساخته است. روان‌شناسان رشد همواره علاقه‌مند بوده‌اند که چگونگی تأثیر روش‌های تربیتی والدین را بر رشد قابلیت‌های اجتماعی کودکان مطالعه و بررسی کنند (کولیر و مایرز^۴، ۲۰۲۳). بزهکاری در نوجوانان هر چند می‌تواند به عوامل بسیاری از جمله مشکلات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ... وابسته باشد، اما در گام نخست این خانواده است که کودکان و نوجوانان را به مسیر صحیح هدایت می‌کند و یا بستر را برای بزهکاری فراهم می‌سازد (گل خندان، ۱۴۰۱) و سبک‌های تربیتی که والدین استفاده می‌کنند می‌تواند عاملی تعیین کننده در این راه محسوب گردد (میرزاییگی و همکاران، ۱۴۰۲).

به نظر می‌رسد خانواده به‌عنوان اولین محیطی که فرد در آن نشو و نمو می‌یابد، نقش مؤثری در بزهکاری فرزندان داشته باشد. با این وجود نباید از دو مبحث سبک‌های دلبستگی^۵ و هویت‌یابی^۶ که در سال‌های اولیه کودکی در فرد شکل می‌گیرد غافل ماند. در همین راستا مطالعات نشان داده‌اند بر خورداری نوجوانان از سبک دلبستگی ایمن می‌تواند عاملی بازدارنده و پیشگیرانه از آسیب‌های اجتماعی تلقی گردد (ویدمر^۷ و همکاران، ۲۰۲۳). همچنین مشخص شده است که سبک‌های هویت موفق می‌تواند در کاهش رفتارهای پرخطر و رفتارهای بزهکارانه نقش مؤثری داشته باشد (لی^۸، ۲۰۲۰).

1. Unimna
2. Kusaka
3. crime
4. Collier & Mears
5. attachment styles
6. identification
7. Widmer
8. Lee

بزهکاری نوجوانان و جوانان علاوه بر ضرر و زیان همه جانبه‌ای که متوجه این‌گونه افراد می‌کند، باعث هدر رفتن سرمایه‌های ملی، تباهی نیروها و استعدادهای نوجوانان و جوانانی می‌شود که از مهم‌ترین سرمایه‌های هر کشور محسوب می‌شوند. همچنین هزینه‌های هنگفتی همه ساله صرف جبران خسارات وارده بر کشور از قبیل دستگیری، پیگیری، نگه داری و بازپروری می‌شود (مینایی و صیف، ۱۴۰۰). لذا با در نظر گرفتن این امر که بزهکاری نوجوانان و جوانان یکی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی-روانی است که جامعه ایران را به‌طور جدی تهدید می‌کند و با اعتقاد به این حقیقت که پیشگیری به مراتب سهل‌تر و مؤثرتر از درمان است، باید فرصت را غنیمت شمرده و ضمن شناسایی علل و عوامل بزهکاری، بسترهای پیدایش این‌گونه معضلات را در جامعه از بین برد و با بررسی ریشه‌ای بزهکاری در این قشر حساس و در معرض آسیب، علاوه بر برطرف نمودن خلاء تحقیقاتی، در راستای سلامت روانی-اجتماعی نوجوانان گام برداشت. بنابراین پژوهش حاضر با هدف مقایسه سبک‌های هویتی و سبک‌های دلبستگی در نوجوانان بزهکار و غیربزهکار شهر قم انجام شد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر توصیفی و از نوع علی-مقایسه‌ای بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه نوجوانان بزهکار و عادی شهر قم در سال ۱۴۰۲ بود که از بین آنها تعداد ۳۰ نفر از نوجوانان بزهکار در کانون اصلاح و تربیت شهر قم و ۳۰ نفر از نوجوانان بهنجار شهر قم در بازه سنی ده تا هجده سال انتخاب شدند. گروه بزهکار، به صورت نمونه‌گیری در دسترس و با صلاح‌دید مدیر کانون اصلاح و تربیت شهر قم انتخاب شدند. لازم به ذکر است در این تحقیق مبنای انتخاب حجم نمونه نیز نوع تحقیق (پس‌رویدادی) بود. بنا به نظر متخصصان آمار زمانی که با دو گروه سرو کار داریم و در آن‌ها قصد مقایسه دو یا چند متغیر وجود دارد، حداقل نمونه در هر گروه ۳۰ نفر کفایت می‌کند (دلاور، ۱۳۹۹)، در این پژوهش برای هر گروه ۳۰ نفر در نظر گرفته شد.

در پژوهش حاضر جهت گردآوری اطلاعات از آزمودنی‌ها، از ابزارهای خودگزارشی (پرسشنامه) استفاده شد که در ادامه به توضیح هر یک از این ابزارها پرداخته شده است:

الف- پرسشنامه پرسشنامه سبک‌های هویت: این پرسشنامه برای نخستین بار توسط برزونسکی^۲ و همکاران (۲۰۱۳) برای ارزیابی سبک هویت با قابلیت اجرای گروهی و به صورت خودگزارشی طراحی و تدوین شد و در برگیرنده ۴۰ سؤال است که ۴ زیرمقیاس هویت اطلاعاتی با سئوالات (۲، ۵، ۶، ۱۶، ۱۸، ۲۵، ۲۶، ۳۰، ۳۳، ۳۵، ۳۷)، هویت هنجاری با سئوالات (۴، ۱۰، ۱۹، ۲۱، ۲۳، ۲۸، ۳۲، ۳۴، ۴۰)، هویت سردرگم/اجتنابی با سئوالات (۳، ۸، ۱۳، ۱۷، ۲۴، ۲۷، ۲۹، ۳۱، ۳۶، ۳۸) و تعهد هویت با سئوالات (۱، ۷، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۲۰، ۲۲، ۳۹) را مورد سنجش قرار می‌دهد و آزمودنی بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (کاملاً مخالفم=۱ نمره تا کاملاً موافقم=۵ نمره) به سئوالات پاسخ می‌دهد. در این پرسشنامه سئوالات ۹، ۱۲، ۱۵ و ۳۹ به شیوه معکوس نمره‌گذاری می‌گردد. روایی همگرایی پرسشنامه توسط سازندگان آن بررسی و ضریب همبستگی این ابزار با مقیاس عزت نفس روزنبرگ در دامنه‌ای بین ۰/۳۰ تا ۰/۳۸ بدست آمد که نشان دهنده روایی همگرا و واگرایی پرسشنامه است (برزونسکی و همکاران، ۲۰۱۳). در پژوهش داخل کشور ضریب آلفای کرونباخ برای سبک هویت اطلاعاتی ۰/۷۲، سبک هویت هنجاری ۰/۶۵، سبک هویت سردرگم/اجتنابی ۰/۷۴ و تعهد هویت ۰/۸۰ بدست آمد که نشان دهنده پایایی مطلوب و مناسب پرسشنامه دارد (شفیع زاده و همکاران، ۱۳۹۹). در پژوهش حاضر پایایی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس‌ها در دامنه‌ای بین ۰/۶۶ تا ۰/۸۲ بدست آمد.

ب- پرسشنامه پرسشنامه سبک‌های دلبستگی: این پرسشنامه در سال ۱۹۹۰ توسط کولینز و رید^۴ به منظور بررسی سبک‌های دلبستگی ساخته شد و در سال ۱۹۹۶ نیز مورد بازبینی قرار گرفت و شامل خودارزیابی از مهارت‌های ایجاد ارتباط و خودتوصیفی شیوه شکل دهی دلبستگی‌های نزدیک است. پرسشنامه کولینز و رید در ابتدا ۲۱ سئوالی بود و سپس به ۱۸ سؤال کاهش یافت. پرسشنامه مذکور سه سبک دلبستگی شامل دلبستگی ایمن با سئوالات ۱، ۶، ۸، ۱۲، ۱۳، ۱۷؛ سبک دلبستگی اجتنابی با سئوالات ۲، ۵، ۷، ۱۴، ۱۶، ۱۸ و سبک دلبستگی دوسوگرا/اضطرابی با سئوالات ۳، ۴، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۵ را مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌دهد. نحوه پاسخدهی به سئوالات پرسشنامه براساس طیف لیکرت ۵ درجه ای می باشد. بدین صورت که به گزینه کاملاً مخالفم (صفر نمره)، تا حدودی مخالفم (۱ نمره)، نظری ندارم (۲ نمره)، تا حدودی موافقم (۳ نمره) و کاملاً موافقم

1. Revised Identity Style Inventory (RISI)

2. Berzonsky

3. Adult Attachment Scale (AAS)

4. Collins & Read

(۴ نمره) تعلق می‌گیرد. دامنه نمرات پرسشنامه از صفر تا ۷۲ می‌باشد. سازندگان ابزار پایایی بازآزمایی پرسشنامه را برای هر یک از زیرمقیاس‌ها به ترتیب دلبستگی ایمن ۰/۸۶، دلبستگی اجتنابی ۰/۸۱ و دلبستگی دوسوگرا ۰/۸۲ گزارش کرده‌اند (کولینز و رید، ۱۹۹۰). در داخل کشور پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس سبک دلبستگی ایمن ۰/۷۶، اجتنابی ۰/۷۹ و دوسوگرا ۰/۷۴ بدست آمد (کلاه کج و همکاران، ۱۴۰۲). در پژوهش حاضر پایایی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس‌ها در دامنه‌ایی بین ۰/۷۴ تا ۰/۷۸ بدست آمد.

برای تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار) و آمار استنباطی (تحلیل واریانس و آزمون تعقیبی LSD) با کمک نرم افزار آماری SPSS نسخه ۲۶ استفاده شد.

یافته‌ها

جدول ۱: میانگین، انحراف معیار، کمینه و بیشینه نمرات متغیرهای وابسته در دو گروه

متغیر پژوهش	گروه	تعداد	کمینه نمره	بیشینه نمره	میانگین \pm انحراف معیار
هویت اطلاعاتی	بزهکار	۳۰ نفر	۱۴	۳۰	۲۱/۱۶ \pm ۳/۴۹
	عادی	۳۰ نفر	۱۲	۳۹	۳۲/۲۰ \pm ۵/۴۴
هویت هنجاری	بزهکار	۳۰ نفر	۱۶	۲۳	۲۰/۴۶ \pm ۱/۹۶
	عادی	۳۰ نفر	۱۳	۱۹	۱۷/۱۶ \pm ۱/۶۴
هویت سردرگم/اجتنابی	بزهکار	۳۰ نفر	۱۴	۲۷	۲۴/۶۰ \pm ۳/۶۰
	عادی	۳۰ نفر	۱۶	۲۲	۱۹/۳۳ \pm ۱/۹۱
هویت متعهد	بزهکار	۳۰ نفر	۱۲	۳۳	۲۱/۰۰ \pm ۵/۳۸
	عادی	۳۰ نفر	۱۳	۳۶	۲۷/۳۰ \pm ۴/۳۴
دلبسته ایمن	بزهکار	۳۰ نفر	۱۰	۱۷	۱۴/۹۰ \pm ۱/۹۵
	عادی	۳۰ نفر	۱۴	۲۱	۱۸/۸۰ \pm ۲/۰۲
دلبسته اجتنابی	بزهکار	۳۰ نفر	۹	۲۶	۱۶/۲۶ \pm ۴/۷۹
	عادی	۳۰ نفر	۸	۱۹	۱۱/۳۵ \pm ۳/۴۲
دلبسته دوسوگرا/اضطرابی	بزهکار	۳۰ نفر	۱۴	۲۷	۲۰/۹۶ \pm ۴/۱۹
	عادی	۳۰ نفر	۱۰	۲۳	۱۵/۶۶ \pm ۴/۰۶

در جدول شماره ۱ آماره‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه و ابعاد آن‌ها در هر یک از دو گروه افراد نمونه به تفکیک ارائه شده است. با توجه به نتایج مندرج در جدول فوق الذکر، در گروه نوجوانان بزهکار، بیشترین میانگین در بین سبک‌های دلبستگی، متعلق به سبک دلبستگی دوسوگرا/اضطرابی با میانگین ۲۰/۹۶ و کمترین میانگین مربوط به دلبستگی ایمن با میانگین ۱۴/۹۰ بود. همچنین در

گروه نوجوانان بزهکار سبک هویتی سردرگم/اجتنابی با میانگین ۲۴/۶۰ بالاترین میانگین را به خود اختصاص داد. اطلاعات مربوط به نوجوانان گروه عادی نیز در جدول قابل مشاهده است.

جدول ۲: نتایج آزمون لوین جهت بررسی مفروضه برابری واریانس ها

سطح معناداری	درجه آزادی		آماره F	متغیر پژوهش
	۲	۱		
۰/۱۵۲	۵۸	۱	۱/۱۱۲	هویت اطلاعاتی
۰/۵۵۰	۵۸	۱	۰/۳۶۱	هویت هنجاری
۰/۲۱۶	۵۸	۱	۱/۷۳۸	هویت سردرگم/اجتنابی
۰/۳۹۸	۵۸	۱	۰/۸۳۹	هویت متعهد
۰/۳۳۷	۵۸	۱	۱/۴۳۶	دل بسته ایمن
۰/۱۳۴	۵۸	۱	۲/۳۰۵	دل بسته اجتنابی
۰/۶۰۹	۵۸	۱	۰/۲۶۵	دل بسته دوسوگرا/اضطرابی

در این تحقیق پیش از انجام تحلیل واریانس به منظور بررسی پیش فرض برابری واریانس ها از آزمون لوین استفاده شد، که نتایج آن در جدول شماره ۲ ارائه شده است. همان گونه که در جدول مشاهده می شود، پیش فرض لوین در تمامی متغیرهای وابسته پژوهش تأیید می گردد، که به دلیل گمارش تصادفی دو گروه و حجم نمونه مناسب می توان از تحلیل واریانس جهت تحلیل فرضیه ها استفاده کرد. از طرف دیگر با توجه به اینکه آزمون F در برابر میزان متوسطی از واریانس های ناهمگن مقاوم است، به خصوص هنگامی که نمونه ها دارای حجم مساوی باشند، استفاده از آزمون تحلیل واریانس امکان پذیر می گردد. همچنین در این مطالعه پیش فرض نرمال بودن توزیع نمرات (آزمون کلموگراف-اسمیرنوف و کجی و کشیدگی) و پیش فرض همگنی ماتریس واریانس-کوواریانس (آزمون ام باکس) انجام و مورد تأیید قرار گرفتند. با توجه به نتایج بدست آمده، استفاده از تحلیل واریانس در داده های پژوهش بلامانع می باشد.

1. Levene's Test

جدول ۳: نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره اثرات گروه بر سبک هویت

منابع	متغیر وابسته	SS	df	MS	F	P	H
گروه	هویت اطلاعاتی	۹۹۲/۲۶۷	۱	۹۹۲/۲۶۷	۴۶/۵۳۸	۰/۰۰۲	۰/۴۴۵
	هویت هنجاری	۱۶۳/۳۵۰	۱	۱۶۳/۳۵۰	۴۹/۹۶۱	۰/۰۰۲	۰/۶۴۳
	هویت اجتنابی	۵۰/۴۱۷	۱	۵۰/۴۱۷	۶/۳۴۵	۰/۰۱۵	۰/۴۳۹
	هویت متعهد	۵۹۵/۳۵۰	۱	۵۹۵/۳۵۰	۱۷/۱۷۷	۰/۰۱۰	۰/۵۲۸
خطا	هویت اطلاعاتی	۱۲۳۶/۶۶۷	۵۸	۲۱/۳۲۲	-		
	هویت هنجاری	۱۸۹/۶۳۳	۵۸	۳/۲۷۰			
	هویت اجتنابی	۴۶۰/۸۳۳	۵۸	۷/۹۴۵			
	هویت متعهد	۲۰۱۰/۳۰۰	۵۸	۳۴/۶۶۰			

بر اساس نتایج جدول شماره ۳ بین دو گروه نوجوانان با و بدون بزهکاری در سبک‌های هویتی شامل هویت اطلاعاتی ($F_{(1,58)}=46/538$ ، $P=0/002$ و $\eta=0/445$)، هویت هنجاری ($F_{(1,58)}=49/961$)، $P=0/002$ و $\eta=0/643$)، هویت سردرگم/اجتنابی ($F_{(1,58)}=6/345$)، $P=0/015$ و $\eta=0/439$) و هویت متعهد ($F_{(1,58)}=17/177$)، $P=0/010$ و $\eta=0/528$) از نظر آماری تفاوت معناداری وجود دارد. در ادامه به این دلیل که مشخص نیست این تفاوت میانگین متعلق به کدام گروه است، برای بررسی تفاوت بین میانگین گروه‌ها از آزمون تعقیبی LSD (حداقل اختلاف معنادار) استفاده شد.

جدول ۴: نتایج آزمون LSD برای مقایسه تفاوت میانگین نمره سبک هویت گروه‌ها

متغیر پژوهش	گروه‌ها (I و J)	تفاوت میانگین (I-J)	خطای استاندارد	سطح معناداری
هویت اطلاعاتی	عادی (I) - بزهکار (J)	۸/۱۳۳*	۱/۱۹۲	۰/۰۰۰
	بزهکار (I) - عادی (J)	-۸/۱۳۳*	۱/۱۹۲	۰/۰۰۰
هویت هنجاری	عادی (I) - بزهکار (J)	-۳/۳۰۰*	۰/۴۶۷	۰/۰۰۰
	بزهکار (I) - عادی (J)	۳/۳۰۰*	۰/۴۶۷	۰/۰۰۰
هویت اجتنابی	عادی (I) - بزهکار (J)	-۱/۸۳۳*	۰/۷۲۸	۰/۰۱۵
	بزهکار (I) - عادی (J)	۱/۸۳۳*	۰/۷۲۸	۰/۰۱۵
هویت متعهد	عادی (I) - بزهکار (J)	۶/۳۰۰*	۱/۵۲۰	۰/۰۰۰
	بزهکار (I) - عادی (J)	-۶/۳۰۰*	۱/۵۲۰	۰/۰۰۰

با توجه به جدول شماره ۴ نتایج آزمون تعقیبی LSD نشان می‌دهد بین دو گروه نوجوانان بزهکار و عادی از نظر آماری تفاوت معناداری وجود دارد، اختلاف میانگین این دو گروه برای هویت هنجاری برابر با $-3/300$ ، هویت سردرگم/اجتنابی $-1/833$ ، هویت اطلاعاتی برابر با $8/133$ و هویت متعهد $6/300$ و منفی بودن آن در سطر اول جدول در هر ستون تفاوت میانگین، نشان دهنده کوچک‌تر بودن

میانگین نمره هر یک از دو سبک هویت هنجاری و اجتنابی در گروه اول یعنی نوجوانان عادی می‌باشد. لازم به ذکر است که در هویت متعهد و اطلاعاتی، مثبت بودن عدد در سطر اول جدول ستون مربوط به تفاوت میانگین، حاکی از بزرگ‌تر بودن میانگین نمره سبک هویت اطلاعاتی و متعهد در نوجوانان عادی نسبت به نوجوانان بزهکار بوده است.

جدول ۵: نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره اثرات گروه بر سبک دلبستگی

منابع	متغیر وابسته	SS	df	MS	F	P	η
گروه	دلبسته ایمن	۲۲۸/۱۵۰	۱	۲۲۸/۱۵۰	۵۷/۶۵۹	۰/۰۰۰	۰/۴۹۹
	دلبسته اجتنابی	۳۶۵/۰۶۷	۱	۳۶۵/۰۶۷	۲۰/۹۹۵	۰/۰۰۰	۰/۲۶۶
	دلبسته دوسوگرا	۴۲۱/۳۵۰	۱	۴۲۱/۳۵۰	۲۴/۶۹۴	۰/۰۰۰	۰/۲۹۸
	دلبسته ایمن	۲۳۹/۵۰۰	۵۸	۳/۹۵۷	-		
خطا	دلبسته اجتنابی	۱۰۰۸/۵۳۳	۵۸	۱۷/۳۸۹			
	دلبسته دوسوگرا	۹۸۹/۶۳۳	۵۸	۱۷/۰۶۳			

بر اساس نتایج جدول شماره ۵ بین دو گروه نوجوانان با و بدون بزهکاری در سبک‌های دلبستگی شامل دلبسته ایمن ($F_{(1,58)}=57/659$ ، $P=0/000$ و $\eta=0/499$)، دلبسته اجتنابی ($F_{(1,58)}=20/995$)، دلبسته دوسوگرا/اضطرابی ($F_{(1,58)}=24/694$ و $P=0/000$ و $\eta=0/298$) و دلبسته ایمن ($F_{(1,58)}=57/659$ و $P=0/000$ و $\eta=0/499$) از نظر آماری تفاوت معناداری وجود دارد. در ادامه به این دلیل که مشخص نیست این تفاوت میانگین متعلق به کدام گروه است، برای بررسی تفاوت بین میانگین گروه‌ها از آزمون تعقیبی LSD (حداقل اختلاف معنادار) استفاده شد.

جدول ۶: نتایج آزمون LSD برای مقایسه تفاوت میانگین نمره سبک دلبستگی گروه‌ها

متغیر پژوهش	گروه‌ها (I و J)	تفاوت میانگین (I-J)	خطای استاندارد	سطح معناداری
دلبسته ایمن	عادی (I) - بزهکار (J)	۳/۹۰۰*	۰/۵۱۴	۰/۰۰۰
	بزهکار (I) - عادی (J)	-۳/۹۰۰*	۰/۵۱۴	۰/۰۰۰
دلبسته اجتنابی	عادی (I) - بزهکار (J)	-۴/۹۳۳*	۱/۰۷۷	۰/۰۰۰
	بزهکار (I) - عادی (J)	۴/۹۳۳*	۱/۰۷۷	۰/۰۰۰
دلبسته دوسوگرا	عادی (I) - بزهکار (J)	-۵/۳۰۰*	۱/۰۴۹	۰/۰۰۰
	بزهکار (I) - عادی (J)	۵/۳۰۰*	۱/۰۴۹	۰/۰۰۰

با توجه به جدول شماره ۶ نتایج آزمون تعقیبی LSD نشان می‌دهد بین دو گروه نوجوانان بزهکار و عادی از نظر آماری تفاوت معناداری وجود دارد، اختلاف میانگین این دو گروه برای دلبسته نایمن - اجتنابی برابر با $-4/933$ و دلبسته نایمن - دوسوگرا/اضطرابی برابر با $-5/300$ و منفی بودن آن در سطر اول جدول در هر ستون تفاوت میانگین، نشان دهنده کوچک‌تر بودن میانگین نمره هر یک از

دو سبک دلبسته نایمن در گروه اول یعنی نوجوانان عادی می‌باشد. لازم به ذکر است که در دلبستگی ایمن، مثبت بودن عدد در سطر اول جدول ستون مربوط به تفاوت میانگین، حاکی از بزرگ‌تر بودن میانگین نمره این سبک دلبستگی در نوجوانان عادی نسبت به نوجوانان بزهکار بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف مقایسه سبک‌های هویتی و سبک‌های دلبستگی در نوجوانان بزهکار و غیر بزهکار شهر قم انجام شد. نتایج به دست آمده از اجرای تحلیل واریانس و آزمون تعقیبی LSD نشان داد که در متغیر سبک هویت تفاوت معناداری میان دو گروه نوجوانان (با و بدون بزهکاری) وجود دارد، به این صورت که در نوجوانان بزهکار سبک هویت هنجاری و اجتنابی بیشتر و سبک هویت اطلاعاتی و متعهد کمتر از نوجوانان عادی استفاده شده است. براین اساس می‌توان گفت که فرضیه اول پژوهش تأیید می‌شود. همسو با یافته حاضر مؤمنی و آنی‌زاده (۱۴۰۲)، شعبانی و باقری (۱۴۰۲)، قربانی و بازولو (۱۴۰۰)، اوپرلادر^۱ و همکاران (۲۰۲۳)، ستو^۲ (۲۰۲۲)، لی (۲۰۲۰)، ساستاک و ولاچیک^۳ (۲۰۲۰)، کپ^۴ و همکاران (۲۰۲۰) و والترز^۵ (۲۰۱۹) در مطالعات مستقلی نشان دادند که بین سبک هویت با گرایش به رفتار بزهکاری ارتباط معنادار وجود داشته و افراد بزهکار از نظر سبک هویتی با افراد غیربزهکار تفاوت معناداری دارند.

با این وجود یافته مطالعه اکبری و همکاران (۱۳۹۸) با یافته مطالعه حاضر ناهمسو و ناهمخوان بود. اکبری و همکاران (۱۳۹۸) در مطالعه خود نشان دادند بین دو گروه نوجوانان غیربزهکار و بزهکار از نظر سبک هویتی تفاوت آماری معناداری وجود نداشته است. یکی از دلایل این تفاوت‌ها این است که نمونه مورد مطالعه در تحقیق اکبری و همکاران، گروهی از بزهکار را تشبیل می‌داد که اکثراً سابقه مکرر نداشتند و در سطح شهر نمونه‌گیری شده بود اما در مطالعه حاضر نمونه محدود به نوجوانان بزهکار سابقه دار و مقیم در کانون اصلاح و تربیت بود.

در تبیین نقش سبک هویت هنجاری در گرایش به بزهکاری و تفاوت دو گروه نوجوانان در این سبک هویتی می‌توان بیان داشت که سبک هویت هنجاری براساس تقلید و تبعیت افراد ر زندگی فرد بنا شده است و شامل یک دیدگاه بسته ذهنی، غیرمنعطف و یک خودپنداره ثابت و سرکوب کننده

1. Oberlader

2. Seto

3. Sestak & Vlajic

4. Copp

5. Walters

اکتشاف است. این افراد تمایل به درخواست کمک و مشاوره از افراد برجسته و مهم در زندگی خود و حرکت بر روی خط استانداردها داند و آن‌ها از برخورد با اطلاعاتی که تعارض با خودپنداری شان دارد، اجتناب می‌کنند و تا حد امکان در مقابل تغییرات مقاومت می‌کنند. افراد دارای سبک هویت هنجاری به این دلیل که هویت آن‌ها دارای یک ساختار زود شکل گرفته است، از روبه‌رو شدن با موقعیت‌های چالشی همچون طرد از جانب دوستان و گروه همسالان یا تحمل ناکامی و مدیریت نیازها و هیجانات با شکست مواجه بوده و همین امر می‌تواند عاملی برای بزهکاری در این افراد تلقی گردد. بخشی از یافته فرضیه اول بیانگر قدرت پیش بینی کنندگی هویت سردرگم/اجتنابی در مورد تفاوت دو گروه نوجوان در بزهکاری بود. برای تبیین این فرضیه می‌توان به این مطلب اشاره کرد که سبک سردرگم/اجتنابی سمبل برخورد طفره‌آمیز و مسامحه در مشکلات است. یک استراتژی متمرکز بر هیجان که با سطوح پایینی از تعهد، اعتماد به نفس و بی‌ثباتی خودپنداری همراه است. این افراد اغلب توجه کمی به آینده و با نتایج طولانی‌مدت انتخاب‌های خود دارند. شاید بتوان گفت که آن‌ها درگیر یک اکتشاف هستند اما اکتشاف سازمان‌نیافته و تصادفی است. نتیجه بدست آمده را می‌توان در چارچوب نظریه برزونسکی، به این شکل تبیین کرد که این افراد بدلیل عدم اعتماد به نفس و خودپنداره پایین با دیگران به شکلی کارآمد مواجه نشده و به دلیل ناسازگاری اجتماعی و فردی به راحتی درگیر تنش و پرخاشگری شده و همین امر می‌تواند در سوق یابی فرد به بزهکاری مؤثر باشد.

برای تبیین نقش هویت اطلاعاتی در یافته فوق باید اذعان کرد که سبک هویت اطلاعاتی در واقع سازگاران‌ترین سبک هست و یک استراتژی حل مسأله و یا مکانیسم کنارآمدن برای اداره موقعیت‌های روزانه است. یک اکتشاف فعال و یا تعهد منقطع، نیاز برای شناخت و سطح بالایی از خودپنداره است. افراد دارای این سبک هویتی، در اداره موقعیت‌های روزانه از مکانیسم پیچیده و منطقی بهره‌مند هستند و بنابراین هیجانات خود را مدیریت نموده و به دلیل برخورداری از خودکنترلی کمتر درگیر بزهکاری می‌شوند. همچنین، در تبیین این نتیجه می‌توان به نظریه هویت مارسیا استناد نمود. تحقیقات نشان داده است که استفاده از سبک هویت اطلاعاتی به‌طور مثبت با شیوه مقابله‌ای متمرکز بر مسأله، تصمیم‌گیری آگاهانه، خودکاووشی فعال، منبع کنترل درونی، نیاز بالا برای شناخت، پیچیدگی شناختی و اضطراب تسهیل‌کننده همبسته است. آن‌ها کمتر در جستجوی تأیید و تصدیق دیگران هستند و به قضاوت‌های خود اعتماد دارند و به‌طور مستقل قضاوت نموده، ضمن اینکه تحمل و پذیرندگی بیشتری در برخورد با افراد و موقعیت‌های جدید و مبهم در مقایسه با دو سبک هویت هنجاری و اجتنابی دارند.

چون افراد دارای هویت اطلاعاتی از بحران عبور کرده و به تعهداتی دست پیدا کرده‌اند، بنابراین کمتر در معرض گرایش به مشکلات رفتاری و بزهکاری می‌باشند.

نتایج دیگر یافته مطالعه حاضر با استفاده از تحلیل واریانس و آزمون تعقیبی LSD نشان داد که در متغیر سبک دلبستگی تفاوت معناداری میان دو گروه نوجوانان (با و بدون بزهکاری) وجود دارد، به این صورت که در نوجوانان بزهکار سبک دلبستگی ناایمن (اجتنابی و دوسوگرا/اضطرابی) بیشتر و سبک دلبستگی ایمن کمتر از نوجوانان عادی استفاده شده است. براین اساس می‌توان گفت که فرضیه دوم پژوهش تأیید می‌شود. یافته حاضر در راستا و همسو با نتایج بسیاری از مطالعات پیشین مانند ارجمندنیا و همکاران (۱۴۰۱)، محمدی و همکاران (۱۴۰۱)، رضایی جمالی و همکاران (۱۳۹۸)، ویدمر و همکاران (۲۰۲۳)، فریمون^۱ و همکاران (۲۰۲۳)، گائو^۲ (۲۰۲۲) و مک گوران^۳ و همکاران (۲۰۱۹) است.

در تبیین این یافته می‌توان از تئوری اجبار پاترسون^۴ و همکاران (۱۹۸۴) بهره گرفت. براساس این تئوری، محیط خانوادگی، عملکرد و ساختار خانواده با در نظر گرفتن شیوه‌های فرزندپروری خاص آن خانواده می‌تواند بر زندگی نوجوانان تأثیرگذار باشد. این تئوری با توجه به ماهیت خود می‌تواند توضیح دهنده این مسأله باشد که چگونه نوجوان در چارچوب محیط خانوادگی به رفتارهای مخاطره‌آمیز سوق داده می‌شود و این چارچوب می‌تواند بر روابط میان فردی نوجوان از جمله سبک دلبستگی او تأثیرگذار باشد. در این زمینه نظریه دلبستگی بالبی^۵ (۱۹۷۹) تبیین کننده سبک دلبستگی است. با توجه به نظریه بالبی، بین دلبستگی ایمن با تاب‌آوری و تحمل ناکامی در فرد رابطه وجود دارد. به‌طور خلاصه تاب‌آوری به معنای ظرفیت موفقیت، زندگی کردن و خود را رشد دادن در شرایط دشوار (با وجود ناکامی) است. این فرایند خودجوش در فرد میسر نمی‌شود مگر آن که در موقعیتی قرار گیرد تا برای رهایی از آن یا صدمه‌پذیری کمتر، حداکثر تلاش خود را برای کشف و بهره‌گیری از عوامل محافظتی (فردی و محیطی) از درون و بیرون خود که به صورت بالقوه همواره وجود دارد، به کار ببرد. هر فرد می‌تواند در موقعیتی تاب آور و در موقعیتی غیرتاب آور باشد، این بستگی به کیفیت ارتباط فرد با عامل خطر و عامل محافظ دارد. منظور از عوامل خطر ویژگی‌ها، متغیرها یا حوادثی است که ممکن است برای

1. Freeman
2. Guo
3. McGauran
4. Patterson
5. Bowlby

فردی وجود داشته باشد، آن فرد با احتمال بیشتری به نسبت کسی که به‌طور تصادفی از جمعیت عمومی انتخاب شده است، به اختلال یا بزهکاری دچار می‌شود.

می‌توان در تبیین این یافته از پژوهش می‌توان بیان نمود که سبک دلبستگی ایمن آگاهی نوجوان را نسبت به حالات ذهنی خود و دیگران افزایش می‌دهد، برقراری ارتباط سازنده با دیگران را تسهیل می‌کند، توانایی فهم و پذیرش رفتار دیگران را بهبود می‌بخشد و در نهایت باعث سازگاری فرد با دیگران می‌شود. در نتیجه این عوامل باعث کاهش بروز رفتارهای ناهنجار و بزهکارانه در نوجوان می‌شود. در زمینه بیشتر بودن سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا نوجوانان بزهکار در مقایسه با نوجوان عادی می‌توان بیان نمود بر مبنای نظر مارکوس و کرامر^۱ (۲۰۰۱) کودک نایمن نوعی مدل ارتباطی را توسعه می‌دهد که در آن همه ارتباطات بین فردی به صورت رد کننده و مسامحه کارانه درک می‌شود و این امر باعث افزایش رفتار پرخاشگرانه نسبت به دیگران و اعمال بزهکارانه می‌گردد. کودک نایمن ممکن است از رفتارهای ناهنجار و بزهکارانه به‌عنوان راهبردهایی جهت جلب توجه استفاده کند. چون این افراد نتوانستند راهبردهای مناسبی را برای جلب توجه دیگران بیابند و توسعه دهند. همچنین می‌توان بیان نمود براساس نظریه بالبی (۱۹۷۹) جدایی از مادر عامل مهمی در بزهکاری محسوب می‌شود. زیرا کودکان با دلبستگی نایمن محیط خود را به‌عنوان یک محیط متزلزل و تهدیدکننده ادراک می‌کنند که این امر باعث کاهش اهمیت و پذیرش هنجارهای جامعه و افزایش رفتارهای ناهنجار و بزهکارانه می‌شود.

همواره پژوهشگران در تحقیقات خود با محدودیت‌هایی مواجه هستند که بخشی از آن‌ها حتی در ابتدای کار نیز خود را نشان می‌دهند. تمام مطالعات و پژوهش‌ها دارای محدودیت هستند. از جمله محدودیت‌های پژوهشی می‌توان به محدود بودن نمونه پژوهشی از نظر تعداد افراد شرکت‌کننده اشاره کرد، که لازم است در تعمیم نتایج احتیاط گردد. با توجه به اینکه پژوهش حاضر پس‌رویدادی و از نوع علی-مقایسه‌ای است، نمی‌توان نتیجه‌گیری علیّت و معلولی در مورد ارتباط بین متغیرهای مورد مطالعه به عمل آورد. چون رفتارهای بزهکارانه و مشکلاتی که به همراه آن روی می‌دهد از عوامل گوناگونی مانند عوامل فردی، اجتماعی، خانوادگی، شناختی، عاطفی، شخصیتی و ... تأثیر می‌پذیرد، اگر در بررسی گرایش به بزهکاری فقط عامل هویت یا دلبستگی را مورد توجه قرار دهیم، قادر نخواهیم بود که به‌طور همه‌جانبه متغیرهای مداخله‌گر را کنترل و شناسایی کنیم. احتمال دارد نتایج مطالعه حاضر از عوامل مذکور تأثیر پذیرفته باشد. لذا به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌شود در مطالعات خود روابط به

1. Marcus & Kramer

دست آمده میان متغیرهای این پژوهش را مجدداً و با در نظر گرفتن متغیرهای دیگر و همچنین، با استفاده از ابزارهای اندازه‌گیری متفاوت برای این متغیرها مورد سنجش و تفحص علمی قرار دهند. به منظور افزایش قابلیت تعمیم‌پذیری یافته‌ها، مطالعه حاضر را در جمعیت بزرگ‌تری از افراد درگیر بزهکاری مورد مطالعه قرار داده و نوع بزهکاری را از هم تفکیک و بررسی نمایند. با توجه به ارتباط نسبی سازه دلبستگی با هویت‌یابی توصیه می‌شود مطالعات بیشتری اجرا شود که نقش هر یک از سبک‌های دلبستگی را در هویت‌یابی و گرایش به رفتار بزهکاری نوجوانان مورد بررسی و سنجش قرار دهند. در نهایت پیشنهاد می‌شود مسئولین مدارس و همچنین، خانواده‌ها از همان دوران کودکی به غربال‌گری و شناسایی و همچنین، افزایش دانش نسبت به مشکلات رفتاری و عاطفی اقدام نمایند و با شناسایی زودهنگام کودکان و نوجوانان در معرض گرایش به مشکلات بهداشت روانی-رفتاری و اقدام به موقع جهت دریافت خدمات تخصصی از پیامدهای متعدد فردی، خانوادگی و اجتماعی ناشی از بزهکاری و دیگر اشکال ناسازگاری فردی-اجتماعی پیشگیری نمایند.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

به منظور رعایت ضوابط اخلاقی پژوهش، اطلاعات کافی در حق انصراف، نحوه نشر اطلاعات، حریم خصوصی و رازداری، عدم هر نوع آسیب جسمی یا روانی، اجتناب از تبعیض، هدف و نحوه اجرای پژوهش در اختیار آزمودنی‌ها قرار گرفت.

حامی مالی

مؤلفان مقاله هیچ حامی مالی برای این پژوهش اظهار نکرده‌اند و با هزینه شخصی مؤلفان صورت گرفته است.

تعارض منافع

مؤلفان مقاله هیچ‌گونه تضاد منافی درباره این پژوهش اظهار نکرده‌اند.

تقدیر و تشکر

بدین وسیله از تمامی نوجوانان مشارکت‌کننده در پژوهش و کانون اصلاح و تربیت شهر قم که در این پژوهش نهایت همکاری را داشتند، کمال تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

منابع فارسی

- ارجمندنیا، علی اکبر؛ عظیمی، نعیمه؛ و احمدی، سهیلا. (۱۴۰۱). بررسی تعاملات جمع گرایانه و سبک های دلبستگی در نوجوانان بزهکار و همسالان غیربزهکار، ماهنامه پایا شهر، ۵(۴۷)، ۱۵-۲۵.
- اکبری، بهمن؛ خوشه چین گل، نورا؛ نادری فر، نسرین؛ و موسی زاده، نصیبه. (۱۳۹۸). مقایسه تنظیم شناختی هیجانی و سبکهای هویتی در نوجوانان بزهکار و غیربزهکار. مجله سلامت اجتماعی، ۲(۲)، ۲۲۷-۲۳۵.
- جوهری فرد، معصومه؛ زهراکار، کیانوش؛ فرخی، نورعلی و مردانی راد، مژگان. (۱۴۰۰). بررسی مدل علی گرایش به رفتارهای پرخطر نوجوانان براساس باورهای فراشناختی و سبک های هویت با میانجیگری افکار منفی تکرار شوند و تاب آوری. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی، ۱۲(۴۷)، ۱۶۱-۱۹۴.
- دلاور، علی. (۱۳۹۹). روش تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی. تهران: انتشارات ویرایش.
- رضایی جمالویی، حسن؛ حسنی، جعفر؛ و نورمحمدی، محمد. (۱۳۹۸). نقش سبک های دلبستگی در رفتارهای پرخطر نوجوانان پسر. مجله دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، ۲۰(۱)، ۱۲۱-۱۱۲.
- شعبانی، علیرضا؛ و باقری، نسرین. (۱۴۰۲). پیش بینی رفتارهای پرخطر براساس سبک های فرزندپروری و سبک های هویت در نوجوانان. پیشرفت های نوین در علوم رفتاری، ۸(۵۶)، ۲۹۳-۲۸۱.
- شفیع زاده، محمود؛ خان آرموئی، مهسا؛ و رفیعی نیا، پروین. (۱۳۹۹). بررسی رابطه بین افسردگی و قلدری: نقش میانجی سبکهای هویت. مجله علوم روانشناختی، ۱۹(۹۶)، ۱۶۳۵-۱۶۲۵.
- قربانی، علیرضا؛ و بازرلو، سمانه. (۱۴۰۰). مدلیابی ساختاری سبک های هویت یابی و خودکارآمدی با نگرش به بزهکاری در دانش آموزان. نشریه جامعه شناسی آموزش و پرورش، ۷(۱)، ۱۴-۱.
- کلاه کج، بنت الهدی؛ خلعتبری، جواد؛ صلاحیان، افشین؛ و نصرالهی، بیتا. (۱۴۰۲). پیش بینی نوموفوبیا براساس سبک های دلبستگی با نقش واسطه ای احساس تنهایی در نوجوانان. خانواده درمانی کاربردی، ۴(۳)، ۱۴۴-۱۲۵.
- گل خندان، سمیرا. (۱۴۰۱). رابطه ساختار خانواده با بزهکاری اطفال و نوجوانان (مطالعه میدانی در کانون اصلاح و تربیت استان اصفهان). نشریه علمی پژوهشهای حقوق و جزا و جرم شناسی، ۱۰(۱۹)، ۲۰۷-۲۳۵.

محمدی، فائزه؛ آذری، رعنا؛ عبدالتاج‌دینی، پرویز؛ و اقدسی، علی نقی. (۱۴۰۱). پیش‌بینی رفتارهای پرخطر براساس ارضای نیازهای بنیادی روانشناختی، تنظیم شناختی هیجان و سبک‌های دلبستگی با میانجیگری نشاط ذهنی در نوجوانان دختر. *دوماهنامه روانشناسی و روانپزشکی شناخت*، ۹(۲)، ۱۱۷-۱۳۰.

مؤمنی، حسین؛ و آئی زاده، فاطمه. (۱۴۰۲). سبک‌های فرزندپروری و سبک‌های هویت و ارتباط آنها با رفتارهای پرخطر در نوجوانان. *سومین کنفرانس بین‌المللی علوم تربیتی، روانشناسی و آموزش و پرورش*.

میرزاییگی، حسین؛ بوستانی، داریوش و شاملو، باقر. (۱۴۰۲). چالش‌های کانون اصلاح و تربیت در بازپروری کودکان و نوجوانان بزهکار: مطالعه موردی کانون کرمان. *مجله حقوقی دادگستری*، ۸۷(۱۲۳)، ۲۵-۴۸.

مینایی، مزده، صیف، محمدحسن. (۱۴۰۰). تأثیر فقر و بیکاری خانواده در بزهکاری نوجوانان. *نخستین کنفرانس ملی آسیب‌های اجتماعی و روانی با تأکید بر علوم رفتاری*.

منابع انگلیسی:

- Berzonsky, M. D., Soenens, B., Luyckx, K., Smits, I., Papini, D. R., & Goossens, L. (2013). Development and validation of the revised Identity Style Inventory (ISI-5): factor structure, reliability, and validity. *Psychological assessment*, 25(3), 893.
- Bowlby, J. (1979). The bowlby-ainsworth attachment theory. *Behavioral and Brain Sciences*, 2(4), 637-638.
- Collier, N. L., & Mears, D. P. (2023). Delinquent by the dozen: Youth from larger families engage in more delinquency—Fact or myth?. *Crime & Delinquency*, 69(10), 1843-1870.
- Collins, N. L., & Read, S. J. (1990). Adult attachment, working models, and relationship quality in dating couples. *Journal of personality and social psychology*, 58(4), 644.
- Copp, J. E., Giordano, P. C., Longmore, M. A., & Manning, W. D. (2020). Desistance from crime during the transition to adulthood: The influence of

- parents, peers, and shifts in identity. *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 57(3), 294-332.
- Freemon, K., Herrera, V. M., Cheon, H., & Katz, C. M. (2023). Family Structure and Delinquency in the English-Speaking Caribbean: The Moderating Role of Parental Attachment, Supervision, and Commitment to Negative Peers. *Youth Violence and Juvenile Justice*, 21(2), 149-171.
- Guo, S. (2022). Cyberbullying and delinquency in adolescence: the potential mediating effects of social attachment and delinquent peer association. *Journal of interpersonal violence*, 37(19-20), 18837-64.
- Kusaka, S., Foo, J. C., Yamaguchi, S., Yukawa, A., Arai, T., Sawamura, F., ... & Sasaki, T. (2024). A survey of mental health literacy in parents and guardians of teenagers. *Frontiers in Psychiatry*, 15, 12-38.
- Lee, S. (2020). Does identity matter for adaptation? The influence of acculturation identity on the well-being and delinquency of adolescent students in Europe. *Journal of Youth Studies*, 23(6), 797-817.
- Marcus, R. F., & Kramer, C. (2001). Reactive and proactive aggression: Attachment and social competence predictors. *The Journal of genetic psychology*, 162(3), 260-275.
- McGauran, A., Brooks, M., & Khan, R. (2019). The role of emotional resilience, childhood parentification, and attachment style on antisocial behaviour in adulthood: A comparison of an offender and normative population. *Journal of Criminal Psychology*, 9(2), 75-87.
- Oberlader, V. A., Banse, R., Beier, S., & Schmidt, A. F. (2023). Law-abiding versus criminal identity and self-efficacy: A quantitative approach to unravel psychological factors supporting desistance from crime. *Psychology, Crime & Law*, 1-24.
- Patterson, G. R., Dishion, T. J., & Bank, L. (1984). Family interaction: A process model of deviancy training. *Aggressive behavior*, 10(3), 253-267.
- Sestak, N., & Vlajic, M. (2020). Young delinquent: Inquiry into several aspects of identity construction in mass media. *CRIMEN*, 68.
- Seto, C. H. (2022). Religious identity and delinquency: Comparing Muslim, Christian and non-religious adolescents in the United Kingdom. *The British Journal of Criminology*, 62(4), 857-876.

- Unimna, U. F., Ekwok, M. L., & Ugbong, K. (2024). Investigation Of Delinquent Behaviour And Academic Performance Of Students In Biology In Public Secondary Schools In Obudu Local Government Area Of Cross River State, Nigeria. *Global Journal of Educational Research*, 23(1), 107-116.
- Walters, G. D. (2019). Maturing out of delinquency: Unpacking the effects of identity achievement and future orientation on crime desistance. *Self and Identity*, 18(3), 267-283.
- Widmer, A., Havewala, M., Bowker, J. C., & Rubin, K. H. (2023). Secure attachment relationships with mothers, but not fathers, moderate the relation between attention-deficit hyperactivity symptoms and delinquency in adolescents. *Journal of attention disorders*, 27(1), 46-56.



Comparison of Identity Styles and Attachment Styles in Delinquent and Non-Delinquent Teenagers in Qom

Tahere Zakeri Harandi¹, Elham Aghaei² *, Shahrddad Darabi³

Abstract

Introduction and goal: Delinquency during adolescence is one of the abnormal behavior patterns that seriously harms the normal life of the adolescent and the people around him. This research was conducted with the aim of comparing identity styles and attachment styles in delinquent and non-delinquent teenagers in Qom city.

Research methodology: The research was descriptive-sectional and causal-comparative (post-event). All the delinquent teenagers living in the correctional center as well as the normal teenagers of Qom city in 2023 formed the statistical population of the research, among them, 60 people (30 delinquent teenagers and 30 normal teenagers) were selected by the available sampling method, and in addition to questionnaire of identity styles (Brzezunski et al., 2013) and the attachment style questionnaire (Collins and Reed, 1990). The data were analyzed in two levels of descriptive statistics, analysis of variance and LSD post hoc test with SPSS version 26.

Findings: The results showed that between the scores of informational identity, normative identity, confused/avoidant identity and committed identity in two groups of teenagers from statistically, there is a significant difference. Also, the mean scores of the two groups in secure, avoidant and ambivalent/anxious attachment were statistically significantly different. The results of the LSD follow-up test indicated that delinquent teenagers had a low level of committed and informational identity and secure attachment compared to normal teenagers and that delinquent teenagers used insecure attachment and difficulty in identification (avoidant and normative).

Conclusion: The results of the research emphasize the need for the increasing attention of experts and officials in the field of mental-social health to the role of identity and attachment style in preventing mental-decisional vulnerabilities in adolescence.

Keywords: Attachment, Identity, Delinquent, Teenager.

¹ MA, Department of clinical Psychology, Islamic Azad University, Tehranal Crnter Branch, Iran.

² PhD Clinical Psychology, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Iran.

E-mail: elhamaghaei87@yahoo.com

³ Associate Professor, Department of Low, Islamic Azad University, Qom Branch, Iran.